روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال چهارم ■ شماره ۸۴۶ ■ چهارشنبه ۸ شهریور ۱۳۸۵ ■ ۵ شعبان ۱۴۲۷ ■ ۳۰ آگوست ۲۰۰۶

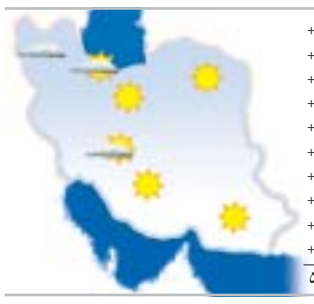

آبادان	+۳۳+۴۷	بیرجند	+۱۸+۳۳	سنندج	+۱۹+۳۶	همدان	+۱۳+۳۶
اراک	+۱۷+۳۴	تهران	+۲۶+۳۵	شهرکرد	+۱۲+۳۳	یاسوج	+۱۸+۳۴
اردبیل	+۱۷+۳۱	تبریز	+۲۱+۳۵	شیراز	+۲۰+۳۵	یزد	+۱۸+۳۴
ارومیه	+۱۷+۳۳	خرم‌آباد	+۱۹+۳۹	قزوین	+۱۶+۳۱	دبی	+۳۱+۴۳
اصفهان	+۱۶+۳۴	رشت	+۲۴+۳۳	کرمان	+۱۶+۳۳	نجف	+۲۹+۴۴
اهواز	+۳۰+۴۷	زاهدان	+۱۷+۳۴	کرمانشاه	+۲۰+۳۸	مکه	+۳۳+۴۵
ایلام	+۲۳+۳۷	زنجان	+۱۵+۳۵	کاشان	+۱۷+۳۸	مدینه	+۳۲+۴۶
بجنورد	+۲۰+۳۶	زابل	+۲۵+۴۰	کیش	+۳۲+۳۸	لندن	+۱۳+۲۰
بندرعباس	+۲۸+۳۹	ساری	+۲۶+۳۷	گرگان	+۲۴+۴۴	پاریس	+۱۵+۲۰
بوشهر	+۳۳+۳۶	سمنان	+۲۰+۳۶	مشهد	+۲۱+۳۶	استانبول	+۲۲+۳۵

تهران: اذان ظهر ۰۵: ۱۲ اذان مغرب ۵۵: ۱۸ اذان صبح فردا ۰۶: ۴ طلوع آفتاب ۳۴: ۵

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

سریال خانه ما	سه	۱۲/۳۰
سریال عامل ناشناخته	سه	۱۳/۴۰
سریال قصه های جزیره	دو	۱۴/۱۵
سریال پرستاران	یک	۱۵/۱۰
سینمای صامت	پنج	۱۷
سریال نرگس	سه	۱۸
نقد کتاب	چهار	۱۹/۱۵
سریال راز گنج پنهان	پنج	۱۹
سریال راه شب	سه	۲۰/۱۵
سریال بوی گل های وحش	دو	۲۱
سریال نسیم وصل	یک	۲۲
تله تئاتر	چهار	۲۲
سریال نرگس	سه	۲۲/۴۵

سینمای امروز

به نام پدر

قدس، فرهنگ، ایران، فلسطین، بهمن، پایتخت مرکزی، گلریز، بلوار، حافظ، شاهد، جمهوری کارون، جی، دهکده، فرهنگسرای باران فرهنگسرای خانواده، فرهنگسرای اشراق

کافه ستاره

آفریقا، فرهنگ، ایران، عصرجدید، جوان، سپیده قیام، گلریز، پارس، پیروزی، کانون قدس، آسیا المپیا، شاهد، فردوسی، نور، ناهید، فرهنگسرای نیاوران، قانون، مجموعه فرهنگی آسمان

شام عروسی

عصرجدید(۱)، فرهنگ(۱)، گلریز(۱)، ملت پیوند، سروش، جمهوری، کارون، مرکزی(۱) پایتخت، قیام، شیدا، فردوسی، جوان(۲)، جی(۳)

سوغات فرنگ

شهرقشنگ، پارس(۲)، موزه سینما(۲)، پیام انقلاب، جوان(۱)، جی(۱)

زن بدلی

آستارا، بلوار، استقلال، بهمن(۱)، صحرا پیروزی، شاهد، سعدی، سپیده(۱)، حافظ ناهید، مرکزی(۳)، دهکده المپیک، تهران(۱) ماندانا، کانون، فلسطین(۱)، جی(۲)

طبل بزرگ زیر پای چپ

ایران(۱)، فرهنگ(۲)، موزه سینما(۳)، فلسطین(۲)

تجسمی امروز

نمایشگاه نقاشی گروهی

نگارخانه کمال الدین بهزاد - ۸۸۸۹۶۰۴۵۳

نمایشگاه نقاشی گروهی

نگارخانه ابن سینا - ۸۸۳۶۶۳۶۷

خبر آخر

خبرساز

درسی برای همه مردان

تاچر؛ برترین نخست‌وزیر قرن انگلستان

فرزانه روستایی: آقای آلفرد روبرتز بقال در سال ۱۹۲۵ در شهر گرانتهام صاحب دختری شد که آن را مارگارت نامید. ۲۵ سال بعد که در اولین مراحل پیشرفت سیاسی مارگارت با دنیس تاچر ازدواج کرد، تبدیل به مارگارت تاچر شد که بعدها به عنوان اولین نخست‌وزیر زن اروپا و انگلستان طولانی‌ترین دوران نخست‌وزیری یعنی سه دوره پی در پی را تجربه کرد و چنان سر هر چیزی از خود سرسختی نشان داد که بانوی فولادین شهرت یافت. دوران او را تاچریسم می‌نامند. این خانم فارغ‌التحصیل رشته شیمی دانشگاه آکسفورد از ابتدا و با موافقت همسرش زندگی خود را صرف سیاست کرد و یک دلیل عمده موفقیتش نیز همین بود که همسری همراه داشت. در سال ۱۹۵۹ رهبر حزب محافظه‌کار شد. وی چند پست در کابینه سایه ادوارد هیث به خود اختصاص داد و از کابینه هیث ارتقای مقام اجرایی او آغاز شد تا آنکه در سال ۱۹۷۹ به نخست‌وزیری رسید. نخست‌وزیری او همراه با دوران ریاست‌جمهوری ریگان در آمریکا یک خط مشی اقتصادی خاص را در پی داشت. خط مشی‌ای که باعث شد نیمی از مردم انگلستان کشته و مرده او باشند و نیم دیگر تشنه به خون او. وقتی تاچر نخست‌وزیر شد انگلستان از شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردار نبود او فرمان خصوصی‌سازی هرچه بیشتر ادارات و دوایر دولتی را صادر کرد که این اقدام در واقع یک شوک اقتصادی - اجتماعی به انگلستان وارد آورد. به دستور او همراه با فرمان خصوصی‌سازی بسیاری از خدمات عمومی حذف شد و به نحوی اغراق‌آمیز بودجه دولتی را شفاف و از هر هزینه تعریف نشده‌ای اجتناب کرد. قبل از اینکه شمایل یک انگلستان همه چیز خصوصی شده آشکار شود، یک‌باره جامعه انگلیس با سه میلیون بیکار مواجه شد. می گویند او انگلستان را یک‌جور تحویل گرفت و وقتی نخست‌وزیری را در ۱۹۹۰ ترک کرد انگلستان به لحاظ اقتصادی کاملاً متحول شده بود. وقتی او پست نخست‌وزیری را تحویل داد کلیه مجامع صنفی، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری این درس را آموختند که تاچر حتی با اعتصاب درازمدت کارگران معادن زغال‌سنگ تسلیم نمی‌شود و عملاً مصالحه با آنچه که قبول ندارد در قاموس او نمی گنجد براساس همین سیاست بود که اتحادیه ملی کارگران معدن انگلستان تقریباً با یک اعتصاب درازمدت از هم پاشید اما تاچر کوتاه نیامد. در جریان جنگ سال ۱۹۸۲ جزایر فالکلند او همچنان ایستادگی کرد و از اصول حزب محافظه‌کار دفاع کرد. تاچر و ریگان طی ده‌سالی که به سقوط شوروی و بلوک شرق منجر شد از هیچ اقدامی برای وارد آوردن ضربه به جهان کمونیتم کوتاهی نکردند. و نهایتاً اتحاد شوروی در پایان دورانی که تاچر و ریگان خط مشی‌های سیاسی اقتصادی آن را تعریف می کردند از هم فرو پاشید و دوران کاملاً متفاوتی ایجاد شد. سال ۱۹۸۴ به یک‌باره دولت انگلستان با یک تکان جدی مواجه شد و آن هنگامی بود که IRA ارتش آزادیبخش ایرلند موفق به بمب گذاری محل کنفرانس حزب محافظه‌کار در برایتون شد. چیزی نمانده بود که تاچر و همه اعضای دولتش در انفجار بمبی کشته شوند ولی تاچر دستور داد با ادامه اقدامات امنیتی کنفرانس حزب محافظه‌کار ادامه یابد. او چنان با سیاست‌هایش برای انگلستان پرستیژ بین‌المللی به‌بار آورد که در سال ۱۹۹۰ به نشان شایستگی و در سال ۱۹۹۴ به لقب بارونی دست یافت. ظاهراً او در حال حاضر به شدت بیمار است و با پیری و ناتوانی دست و پنجه نرم می کند. مجله تاریخی BBC براساس تحقیقی که انجام داده خانم تاچر را در ردیف محبوب‌ترین نخست‌وزیر با نمره پنج قرار داد. کلمنت اتلی نیز که چرچیل را در انتخابات شکست داد و همه چیز را در انگلستان دولتی کرد رتبه پنجم به‌دست آورد. شاهکار سیاست‌های داخلی تاچر متحول کردن سیاست‌های اقتصادی بود که کلمنت اتلی تنظیم کرد و به اجرا درآورد. تونی بلر که روزنامه گاردین با دیدگاه چپ، طی یکی از مشهورترین کاریکاتورهایش وی را به صورت میمونی ابله کشیده است که از سر و کول بوش بالا می‌رود، در میانه لیست قرار دارد و رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. ظاهراً اگر تونی بلر توانسته بود فاصله بین سیاست‌های انگلستان و آمریکا را در جریان جنگ عراق حفظ کند به رتبه بالایی می‌رسید. اما حمایت او از جنگ عراق حمایت عمومی از او را به شدت کاهش داد. یکی از آخرین اظهارنظرهای تاچر در مورد تونی بلر است. از نخست‌وزیر سابق محافظه‌کار انگلستان پرسیدند که علت موفقیت تونی بلر نخست‌وزیر حزب کارگر و رمز ماندگاری او در نخست‌وزیری چیست. پاسخ زیرکانه و واقع گرایانه تاچر این بود: تونی بلر از حزب کارگر است اما همه سیاست‌هایش از حزب محافظه‌کار عاریه گرفته شده است به همین دلیل این قدر طولانی در سمت نخست‌وزیری مانده است.

حاشیه سیاست

جایزه برای مدیران چاق و لاغر

ایرج جمشیدی: اگر همیشه انتظار دارید اهدای جوایز و تقدیر از افراد بر مبنای لیاقت، شایستگی و تلاش باشد، سخت در اشتباهید زیرا ممکن است خلاف آن هم بعضی اوقات رخ بدهد. همین دیروز بود که یکی از نمایندگان مجلس در پایان جلسه علنی مجلس میان خبرنگاران حاضر شد و از اهدای جوایز بر مبنای قد و وزن خبر داد. رمضانعلی صادق‌زاده نماینده رشت که ریاست کمیته مخابرات کمیسیون صنایع و معادن مجلس هفتم را بر عهده دارد گفت: همزمان با هفته دولت در سمینار مدیران استانی شرکت مخابرات فی البداهه به چاق‌ترین، لاغرترین، کوتاه‌ترین و بلندترین مدیر جوایز اهدا شد و از آنان تقدیر به عمل آمد. این سمینار هر ساله و همزمان با هفته دولت برگزار می شود اما روال سال‌های پیش این بود که به ارزیابی وضع موجود و نقاط قوت و ضعف می‌پرداختند. اما امسال سمینار ویژگی متفاوتی داشت زیرا ناگهان به ذهن گردانندگان خطور کرد ابتکار عمل به خرج بدهند و به افراد بر مبنای تناسب اندام جوایز بدهند. شانس با کوتاه‌ترین، بلندترین، چاق‌ترین و لاغرترین مدیر حاضر بود. در این سمینار رئیس جمهور سخنرانی کرد و رئیس مجلس، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، فرمانده کل سپاه پاسداران، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و امام جمعه شیراز حضور داشتند. از ویژگی های دیگری که این سمینار داشت، آن گونه که صادق‌زاده می گفت، بیشتر مباحث سیاسی بود و کمتر درباره تکنولوژی‌های مخابراتی سخن به میان آمد. فرد دیگری که ظاهراً در این سمینار حضور داشت به خبرنگاران پارلمانی گفت یک مدیر زن هم به عنوان یکی از مدیران چاق‌ترین، لاغرترین، بلندترین و کوتاه‌ترین مدیر حاضر در سمینار جایزه گرفت. البته ظاهراً قرار بوده این جوایز به وزرای سابق مخابرات از جمله آقایان عارف و معتمدی و برخی مدیران سابق اهدا شود اما چون آنان حضور نداشتند در نتیجه شانس با مدیرانی با تیپ بدنی متفاوت یار شد. صادق‌زاده از این وضع انتقاد کرد و سپس از جمع خبرنگاران رفت. خبرنگاران هم بلافاصله به مقایسه تیپ‌های بدنی خود با یکدیگر پرداختند و هر کدام مدعی بودند از دیگری چاق‌تر، لاغرتر، بلندتر یا کوتاه‌تر هستند.

عکس روز

کاپشن احمدی‌نژادی

عباس کوثری

دیروز در جریان کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور فضای جلسه چندین بار با شوخی های او با خبرنگاران راجع به نوع لباس هایشان متفاوت شد. یکی وقتی بود که خبرنگاری با کاپشنی شبیه کاپشن رئیس جمهور بر تن، پشت تریبون رفت و رئیس جمهور به او گفت «کاپشن احمدی نژادی پوشیده‌ای» که خنده حضار را در پی داشت و سپس رئیس جمهور اجازه داد که آن خبرنگار دو سئوال بپرسد. بعدی وقتی بود که خبرنگاری چادری پشت تریبون قرار گرفت و رئیس جمهور گفت: «ایشان هم حجاب احمدی نژادی دارند.»

۲۱ فیلم کاملاً جدید در پی شکار شیر طلایی

وصال روحانی: شصت و سومین دوره فستیوال بین المللی فیلم ونیز ایتالیا از امروز آغاز به کار می کند و روز ۱۹ شهریور با معرفی فیلم فاتح جایزه شیر طلایی و سایر برندگان به کار خود خاتمه می دهد. ونیز که پس از کن (و همپا با برلین) دومین فستیوال برتر سینمای دنیا محسوب می شود امسال یک ویژگی کم سابقه دارد. به این ترتیب که تمامی ۲۱ فیلم بخش مسابقه جشنواره پیشتر در هیچ محل و کشور دیگری پخش نشده‌اند و اولین مرتبه اکران خود را در این شهر قدیمی و محصور در آب تجربه می کنند. پنج فیلم آمریکایی در میان این ۲۱ فیلم دیده می شوند و یکی از آنها کاری از دارن ارونوفسکی به نام «چشمه» است. سه فیلم از کشور میزبان هم در فستیوال حاضرند و فرانسه و ژاپن هر کدام یک سهمیه دارند و جالب‌تر اینکه کشور آفریقایی چاد و همچنین تایلند هم برای اولین بار در قسمت مسابقه نماینده‌ای دارند. مارکو مولر مدیر مشهور جشنواره عصر دیروز (سه‌شنبه) در کنفرانسی مطبوعاتی در ونیز، جدیدترین دوره قدیمی‌ترین فستیوال سینمایی دنیا را اسباب مباهات خواند و گفت رویکرد استودیوها و کشورهای مطرح با جدیدترین آثار خود به ونیز نشانه اعتبار فراوانی است که برای آن قائل اند. فیلم افتتاحیه جشنواره به نام «The Black dahlia» که امروز پخش می شود، آخرین کار برایان دی پالمای آمریکایی و با بازی اسکارلت یوهانسون و هیلاری سوانک در رل‌های اصلی و براساس رمانی از جیمز الروی است، اما در میان مدعیان صید شیر طلایی کارهایی چون «فرزندان مردان» کار آلفونسو سوارون مکزیکی، «بابی» فیلمی از امیلیو استروز و با بازی آنتونی هاپکینز، «ترس های خصوصی در مکان‌های عمومی» از آلن رنه ۸۴ ساله و فرانسوی و «ستاره‌ای که آنجا نیست» از جانی امه‌لیو هم مشاهده می شود. یک کارتون از ژاپن به نام «پاپ ریکا» و «زوارت بوک» از پل ورهوون نیز در جمع فیلم‌های بخش مسابقه قرار دارند هر چند بسیاری از فیلم‌های نویدبخش و خاص فستیوال مثل «فلوت جادویی» از کنت برانای بریتانیایی و «In land empire» فیلم جدید دیوید لینچ در خارج از بخش مسابقه به نمایش درخواهند آمد. امسال در بخش‌هایی جنبی از سینمای روسیه به طور اهم و از سه فیلمساز مشهور و قدیمی ایتالیایی با نام‌های آشنای روبرتو روسلینی، لوچینو ویسکونتی و ماریو سولداتی به طور اخص و با پخش آثاری از آنها تجلیل خواهد شد. خیلی‌ها هم به کار جدید مانوئل دواولیویرا به نام «belle toujours» چشم دارند که به گونه‌ای دنباله‌ای بر فیلم کلاسیک سال ۱۹۶۷ لوئیس بونوئل به اسم «belle dejour» محسوب می شود و برخی کارشناسان و شماری از مردم هم می خواهند کار جدید استیفن فریزر بریتانیایی به نام «ملکه» را ببینند، زیرا اختلاف بین دولت تونی بلر و ملکه الیزابت را در حول و حوش زمان مرگ پرنسس دایانا در سال ۱۹۹۷ و در پی آن به تصویر می کشند. هرچه هست با مشارکت داشتن ۲۷ کشور در ۲۱ فیلم بخش مسابقه امسال گستردگی ونیز از همیشه بیشتر شده است. سال پیش در این جشنواره بیشتر از ۱۸ کشور در ساخت فیلم‌های بخش مسابقه دخیل نبودند.

کمک سپاه از برایان دی پالما، فیلم افتتاحیه ونیز ۶۲

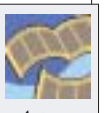

سینما

پنجمین تعویق در پرتاب شاتل‌ها به دلیل توفان

سلیمان فرهادیان: پرتاب شاتل فضایی آتلانتیس یک‌بار دیگر به تعویق افتاد، این بار به دلیل نزدیک شدن توفان «ارنستو» به فلوریدا و مرکز پروازهای فضایی کندی. به همین دلیل ناسا تصمیم گرفته است شاتل را از سکوی پرتاب به آشیانه باز گرداند تا توفان آسیبی به آن نرساند، البته این بازگرداندن شاتل به آشیانه به معنای حداقل هشت روز تاخیر بیشتر در پرواز است. پیش از این قرار بود که آتلانتیس روز جمعه پرتاب شود اما برخورد صاعقه با سکوی پرتاب کارشناسان ناسا را وادار کرد تا تاسیسات پرتاب را یک‌بار دیگر به دقت بازرسی کنند. به تعویق افتادن‌های متوالی شاتل مشکلات زیادی را برای ناسا به‌وجود خواهد آورد: اول آنکه به تعویق افتادن پرتاب ممکن است باعث شود در برنامه پرتاب شاتل با برنامه پرتاب فضاپیمای روسی سایوز که قرار است دو فضانورد و یک گردشگر فضایی (انوشه انصاری که این روزها زیاد درباره او می‌شنویم) را به ایستگاه فضایی بین‌المللی منتقل کند، تداخل ایجاد شود. دوم آنکه ناسا تصمیم دارد پیش از بازنشستگی شاتل‌ها در سال ۲۰۱۰، ساخت ایستگاه فضایی را به اتمام برساند اما این تعویق‌های متوالی در برنامه ساخت وقفه ایجاد کرده است. هنگامی که سرعت باد بیش از ۷۵ کیلومتر در ساعت باشد ناسا هیچ فضاپیمایی را پرتاب نمی کند. اگر پرواز آتلانتیس انجام شود سومین پرتاب شاتل ناسا پس از سانحه کلمبیا در سال ۲۰۰۳ است. این پرواز که شش سرنشین (از جمله یک زن) دارد صفحه‌های خورشیدی جدید را به ایستگاه فضایی متصل می کند تا تولید انرژی آن افزایش یابد. برای آنکه شاتل از سکوی پرتاب به آشیانه منتقل شود، لازم است که ابتدا از مخزن‌های خارجی سوخت جدا شود و سپس سوار کامیون کندرویی شود که تحمل وزن ۱۶ تنی شاتل را داشته باشد. این کامیون برای طی مسافت ۶ کیلومتری سکوی پرتاب تا آشیانه ۶ ساعت در راه است. این پنجمین باری است که پرواز شاتل ها به دلیل وقوع توفان به تعویق می افتد. ناسا هنوز تاریخ دقیقی را برای پرتاب شاتل اعلام نکرده است. ناسا تصمیم دارد شاتل را در روز پرتاب کند تا بتواند تصویرهای واضحی از مخزن سوخت آن تهیه کند.

آکادمی

کرگدن نامه

یک سریال نودشبی

سیدعلی میرفتاح

دوستان صاحب نظری که نمایشنامه «دو چشم و دوازده دست» را خواندند و ملتفت توانایی پیرمردان قلندر- خاصه آقای روشن ضمیر- در امر نمایشنامه‌نویسی- و بلکه سناریونویسی- شدند، سیل پیشنهادات کوچک و بزرگ خود را به دبیرخانه مجمع قلندران ارسال کردند و حتی یک شرکت معتبر که برای تلویزیون سریال‌های الف می سازد، نگارش یک سریال نود [منظور ۹۰ است، اشتباه نخوانید] قسمتی را پیشنهاد داد که گفت‌وگوی زیر متاثر از همین پیشنهاد، پای بساط چای ناب زعفرانی سناتوری، شکل گرفت.

آقای کپورچالی: من پیشنهاد می‌دهم که داستان زندگی یک برقکاری را بنویسیم که بیچاره جا و مکان درست و حسابی ندارد و شب‌ها در ماشین عهد بوقش می‌خوابد. از اتفاق این ماشین در حکم مغازه الکتریکی او هم هست. بعد این آدم می‌رود داخل خانه‌ای که سیم‌کشی کند، سیمش اتصالی می‌کند و عاشق دختری به اسم محبوبه می‌شود و...

آقای مویدی: یک دفعه بگو بنشینیم و «مراد برقی» را بازنویسی کنیم.

آقای کپورچالی: عجب!؟ یادم نبود، قصه مرادبرقی این‌شکلی بود؟

آقای امیرشاهی: من می گویم که یک خانه‌ای شلوغ و پلوغ را در نظر بگیریم که هر اتاقش را به یک خانواده فقیر اجاره داده‌اند. بعد صاحب‌خانه که یک زن چاق بداخلاق است، دختری دارد که به هر زور و ضربی هست می‌خواهد شوهرش بدهد و...

آقای روشن‌ضمیر: این هم که خانه قمرخانم است. قصه ارژینال ندارید؟

آقای کپورچالی: چرا، من دارم. یک قصه درباره تعدد زوجات. قصه یک مردی است که مثلاً توی بازار بزازی دارد. این مرد یواشکی رفته زن دوم گرفته و بی اطلاع همسر اولش خودم هم می‌توانم جایش بازی کنم...

آقای مویدی: قصه بدی نیست، تازه می‌شود زن اول این مرد هم بدون اینکه به شوهرش بروز بدهد یواشکی برود برای پسرش زن بگیرد و خانواده عروس دو تا خواهر باشند که یکی‌شان خوب باشد، یکی‌شان بد. عروس قصه ما باید این دختر بده باشد. چون دختر خوبه را حالاحالاها باهاش کار داریم.

آقای روشن‌ضمیر: عجب قصه‌ای می‌شود. این دو تا خواهر می‌توانند یک عموی ناجوانمرد هم داشته باشند که ارث و میراث این دو تا را بالا بکشد و یواشکی خانه این دو دختر را بفروشد به همان مرد بزاز که دو تا زن دارد.

آقای کپورچالی: همان که قرار است من جایش بازی کنم.

آقای امیرشاهی: صبرکن تا یک تعلیق خوب هم توی قصه بگذاریم که سریال نودشبی‌مان [درست بخوانید، ۹۰ شبی‌مان] کامل شود. این خواهر عروس یک مرد همکار یا یک همکار مرد دارد که هنوز زن اولش را طلاق نداده، گلویش گیر کرده پیش این. اما زن اولش یک قدری ارتقای ایدئولوژیک پیدا کرده و کارهای ناشایستی می کند. از اتفاق می‌توانیم در قسمت‌های میانی او را به طرز فجیعی بکشیم و قتل را به گردن همین مرد همکار بیندازیم.

آقای کپورچالی: من نقش آن مرد بزاز را دارم‌ها. این نقش‌های فرعی را من بازی نمی کنم. گفته باشم.

آقای مویدی: این ترجیع بندهات خیلی بی نمک است. به جای این حرف‌ها به پیشبرد قصه کمک کن.

آقای کپورچالی: باشد. آن عروس اولی را سوار مینی‌بوس خط نیروی هوایی می کنیم و می‌فرستیم یک شهر مرزی که پدر صاحب‌بچه‌اش دربیاید و سر هفت هشت ماهگی، بچه یک‌ساله به دنیا بیاورد و دیوانه شود و زخمی و خلاصه گیر چند تا مسافرخانه‌چی می‌اندازیمش... چه فیلمی می‌شود؟

آقای امیرشاهی: من پیشنهاد می‌دهم بدهیم بهروز افخمی بسازد که یک خورده شوکرانش زیاد بشود.

آقای مویدی: بگو بدهیم افخمی که فیلم را نسازد...

آقای روشن‌ضمیر: یک وقت نگویند این قصه را از روی نرگس نوشته‌اید؟ شبیه که نیست، هست؟

آقای مویدی: چه ربطی دارد؟ به باشو غریبه کوچک بیشتر نزدیک است تا نرگس. اصلاً پیشنهاد بدهیم بدهند استاد بیضایی. اتفاقاً بدش هم نباید بیاید که یک نودشبی [۹۰شبی] در کارنامه‌اش داشته باشد.

آقای کپورچالی: فقط من پیشنهاد می‌دهم که شقایق زنده بماند، در عوض احسان کشته شود. این‌جوری که بهتر است تازه تماشاچی هم کمتر حالش گرفته می‌شود.

آقای روشن‌ضمیر: شقایق کیه؟ احسان کیه؟

آقای کپورچالی: توضیح می‌دهم.

mirfattah@yahoo.com

توضیح

جوابیه تالار بزرگ کشور

در خبر نامزدهای جشن دنیای تصویر، به محل برگزاری این جشن اشاره شد و نام نادرست سالن بزرگ وزارت کشور به کار برده شده است. نام صحیح این تالار همانگونه که بر سر در ورودی آن حک گردیده تالار بزرگ کشور است که بدین‌وسیله تصحیح می‌شود.